

بررسی فلسفه تکرار در قرآن و نقش آن در تربیت انسان

مریم طالبی

چکیده

تکرار، یکی از شیوه‌های بیانی برجسته در قرآن کریم است که علاوه بر نقش بلاغی، کارکردهای عمیق تربیتی نیز دارد. انسان به‌عنوان شگفت‌انگیزترین مخلوق الهی و والاترین نمود قدرت خداوند، استعداد آن را دارد که به صفات و کمالات الهی متصف شود. دستیابی به این مرتبه از کمال جز از طریق تربیت حقیقی و بهره‌مندی از تعالیم کتاب‌ها و پیام‌آوران الهی میسر نیست. در این مسیر، تمرین و تکرار از اصول اساسی و ضروری در فرآیند رشد و تربیت انسان به شمار می‌آید. قرآن‌پژوهان، پدیده‌ی تکرار در قرآن را به انواع گوناگون، از جمله تکرار لفظی و تکرار معنوی تقسیم کرده‌اند. تکرارهای قرآنی اهداف متعددی را دنبال می‌کنند؛ از جمله تأکید بر مفاهیم، هدایت اندیشه‌ها، هشدار و انذار، پندپذیری، تذکر و یادآوری. در همین راستا، تکرار در قصه‌های انبیای الهی نیز با هدف معرفی آنان به‌عنوان الگوهای کامل انسانی و ارائه‌ی پیام‌های تربیتی ویژه، جایگاه خاصی یافته است. با توجه به اینکه قرآن کریم حامل پیام فرهنگی عمیقی است و از سوی دیگر، انسان به‌طور طبیعی دچار غفلت و فراموشی می‌شود، بهره‌گیری از روش تربیتی تکرار در تربیت دینی ضرورتی انکارناپذیر دارد. روش‌های تربیتی همچون الگودهی، تذکر، موعظه، تمثیل و طرح سؤال هنگامی کارآمدتر می‌شوند که در پرتو تکرار و تلقین، مسیر رهایی انسان از تاریکی جهل به سوی نور معرفت را هموار سازند. از این‌رو، تکرار در قرآن می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در تحول نگرش‌ها، تثبیت ارزش‌های الهی و بیدارسازی فطرت انسانی مورد بررسی قرار گیرد. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی – تحلیلی است و بر پایه‌ی مطالعه‌ی اسنادی و منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. هدف اصلی این تحقیق، بررسی آیات مکرر قرآن کریم و تطبیق مفهوم «تکرار» با روش‌های تربیتی برگرفته از آموزه‌های قرآنی است.

کلیدواژه‌ها: تکرار، قرآن، تکرار در قرآن، تربیت انسان.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان جامع ترین کتاب هدایت و تربیت انسان، از شیوه های بیانی و تربیتی گوناگونی برای انتقال مفاهیم الهی بهره گرفته است. یکی از برجسته ترین این شیوه ها، تکرار است که در ساختار بیانی قرآن جایگاهی ویژه دارد. تکرار در قرآن تنها به معنای بازگویی لفظی یک واژه یا عبارت نیست، بلکه پدیده ای هدفمند و آگاهانه است که در خدمت تأکید، تذکر، تثبیت معنا و هدایت انسان قرار دارد.

انسان به طور طبیعی موجودی فراموش کار و غافل است و برای دستیابی به رشد معنوی و اخلاقی نیازمند یادآوری مداوم حقایق الهی است. از این رو، تکرار در قرآن نوعی روش تربیتی به شمار می آید که به مدد آن، پیام های الهی در ذهن و جان مخاطب نفوذ می یابد و ارزش های دینی و اخلاقی در وجود او نهادینه می گردد.

تکرار در آیات مربوط به توحید، معاد، صبر، تقوا، شکر و قصص انبیا نمونه هایی از این شیوه ی تربیتی است که با هدف تقویت ایمان، اصلاح رفتار و جهت دهی افکار انسان به کار گرفته شده است. بررسی فلسفه ی تکرار در قرآن نشان می دهد که این پدیده نه از سر تکرار لفظی بی فایده، بلکه تجلی حکمت الهی در تعلیم و تربیت انسان است؛ حکمتی که با درک آن می توان به شیوه های مؤثر در تربیت دینی و اخلاقی پی برد.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین فلسفه ی تکرار در قرآن کریم و واکاوی نقش آن در فرآیند تربیت انسان انجام می شود تا ابعاد معرفتی، بلاغی و تربیتی این شیوه ی قرآنی روشن گردد و کارکردهای آن در اصلاح و تعالی شخصیت انسانی مورد تحلیل قرار گیرد.

دیدگاه آیات الهی در زمینه فلسفه تکرار در قرآن و نقش آن در تربیت انسان

داستان در قرآن کریم از جایگاهی والا و نقشی بنیادین برخوردار است. بنا بر بررسی‌های قرآنی، حدود یک‌چهارم آیات قرآن به قصص و روایات انبیا و اقوام گذشته اختصاص دارد. به‌ندرت سوره‌ای در قرآن، به‌ویژه از سوره‌های بلند، یافت می‌شود که در آن اشاره‌ای به سرگذشت پیامبران، اقوام پیشین یا حوادث تاریخی مرتبط با جوامع گذشته وجود نداشته باشد.

با این حال، قرآن کتابی داستان‌پرداز به معنای متعارف آن نیست و هدف از نزول آن سرگرم ساختن مخاطب یا نقل حکایات تاریخی صرف نبوده است. همچنین قرآن را نمی‌توان کتاب تاریخ دانست، هرچند در لابه‌لای داستان‌های آن، اطلاعات تاریخی ارزشمندی نهفته است که برای پژوهشگران، منبعی معتبر و قابل استناد به شمار می‌آید.

هدف اصلی از ذکر قصه در قرآن، هم‌راستا با هدف کلی نزول قرآن، یعنی هدایت انسان است. از این منظر، قصه‌های قرآنی نه صرفاً روایت رخدادها، بلکه ابزاری برای تعلیم، تذکر، عبرت و تربیت انسان به شمار می‌روند. قرآن کریم در کنار سایر شئون خود، مجموعه‌ای جامع از مهم‌ترین سیره‌های پیامبران و برگزیدگان الهی را دربر دارد و به‌مثابه دایرةالمعارف الهی از الگوهای رفتاری و اخلاقی انسان‌های کامل شناخته می‌شود.

بی‌تردید، تأکید و تکرار قصه‌ها در قرآن با چنین گستره و عمقی، حاکی از اهداف هدایتی، اخلاقی و تربیتی عمیق است که هر یک به‌منزله‌ی درسی برای اصلاح نگرش‌ها، استحکام ایمان و رشد معنوی انسان عمل می‌کند. در ادامه، به برخی از فلسفه تکرار در قرآن و نقش آن در تربیت انسان اشاره خواهد شد.^۱

الف. تثبیت قلب پیامبر ﷺ

در طول بیست‌وسه سال رسالت، پیامبر اکرم ﷺ مأموریت خطیر دریافت و ابلاغ وحی الهی را در شرایط دشوار و در میان جامعه‌ای آکنده از شرک، جهل و تعصب به انجام رساند. در این مسیر، آزار و مخالفت مشرکان، لجاجت دشمنان و سختی‌های دعوت توحیدی، گاه سبب اندوه و دل‌تنگی پیامبر ﷺ و یاران مؤمنش می‌شد. در چنین موقعیت‌هایی، خدای متعال به‌منظور تقویت روحی و اطمینان خاطر پیامبر خود، به بیان و تکرار داستان‌های پیامبران پیشین می‌پرداخت تا از

۱. سعید، مهدوی، نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، ص ۳۵-۳۳.

خلال آن، سنت الهی در حمایت از فرستادگان خویش و سرنوشت عبرت‌آموز منکران و معاندان را یادآور گردد.

بدین‌سان، تکرار قصص انبیا در قرآن علاوه بر جنبه‌ی تاریخی و معرفتی، کارکردی تربیتی و روانی نیز دارد؛ زیرا موجب آرامش قلبی، استواری ایمان و افزایش امید در وجود پیامبر ﷺ و مؤمنان می‌شود. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ»^۱ «و همه‌ی خبرهای پیامبران را بر تو حکایت می‌کنیم تا بدان وسیله دل تو را استوار گردانیم.»

از این آیه و نمونه‌های مشابه آن برمی‌آید که تکرار قصص در قرآن، یکی از شیوه‌های الهی برای تربیت پیامبر و تقویت روحیه‌ی استقامت در برابر سختی‌های رسالت است.^۲

واژه‌ی «كُلًّا» در آیه‌ی شریفه‌ی «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ»^۳ اشاره به تنوع سرگذشت‌های پیامبران الهی دارد. هر یک از این سرگذشت‌ها، نمونه‌ای از شیوه‌های گوناگون مخالفت و جبهه‌گیری اقوام در برابر انبیا را باز می‌نماید و جلوه‌ای از انحرافات، مجازات‌ها و ابتلائات الهی را به تصویر می‌کشد. این داستان‌ها در عین حال، بیانگر پایداری و مقاومت انبیا در برابر اقوام لجوج و پیروزی نهایی آنان بر دشمنان حقیقت است؛ امری که موجب تقویت روحی و افزایش استقامت پیامبر اکرم ﷺ و نیز استواری ایمان مؤمنانی می‌شد که در مسیر دعوت الهی، همراه آن حضرت بودند. اخبار پیامبران، افزون بر جنبه‌ی تاریخی، دربردارنده‌ی حقایق تربیتی، مواظظ اخلاقی و تذکرات ایمانی برای پیروان راه حق است. تاریخ انبیا نشان می‌دهد که با وجود رنج‌ها، شکست‌های ظاهری و از دست دادن یاران فراوان در میدان‌های جهاد، پیامبران و مؤمنان راستین هرگز دچار ضعف و ترس نگردیدند؛ بلکه با صبر، پایداری و اعتماد به وعده‌ی الهی مسیر خود را ادامه دادند، چرا که خداوند، صابران را دوست می‌دارد.

به‌طور کلی، در قصه‌های قرآنی که هدف آن‌ها انداز، هشدار و بیم‌دادن به مخالفان و معاندان است، عنصر حادثه و رویداد جایگاهی برجسته دارد و مخاطب را از سرانجام نافرمانی آگاه می‌سازد. در مقابل، در قصه‌هایی که با هدف تقویت روحیه، تثبیت قلب پیامبر ﷺ و هدایت و تسلی مؤمنان

۱. هود: ۱۲۰

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، ص ۵۷۸.

۳. هود: ۱۲۰

بیان شده‌اند، شخصیت‌ها و قهرمانان الهی محور اصلی روایت‌اند تا از طریق سیره و صبر آنان، الگوی پایداری و ایمان برای مؤمنان ترسیم شود.^۱

ب. تحدّی

خدای متعال قرآن کریم را به‌عنوان معجزه‌ی جاوید پیامبر اسلام ﷺ نازل فرمود؛ کتابی که هیچ‌کس توان آوردن حتی سوره‌ای همانند آن را ندارد. یکی از جلوه‌های اعجاز این کتاب الهی، در تکرار داستان‌ها و مضامین در مواضع گوناگون قرآن نمایان است. خداوند با تکرار یک داستان در سیاق‌ها و بافت‌های مختلف، ضمن حفظ تازگی معنا و انسجام بیانی، ناتوانی انسان را در آوردن سخنی هم‌سنگ با قرآن آشکار می‌سازد.

این شیوه‌ی تکرار، خود نشانه‌ای از اعجاز زبانی و بیانی قرآن است؛ چراکه با وجود بازگویی یک مضمون در قالب‌های متنوع، هیچ‌گونه نقص، تناقض یا ملالت زبانی در آن دیده نمی‌شود. بدین‌سان، قرآن نه‌تنها از جهت محتوا و پیام، بلکه از نظر نظم، فصاحت و بلاغت نیز برتر از توان بشر است و در هر تکرار، جلوه‌ای تازه از حقیقت الهی را آشکار می‌سازد.^۲

تکرار در قرآن کریم، یکی از جلوه‌های برجسته‌ی تحدّی و مبارزه‌طلبی الهی به شمار می‌آید که در آن، اعجاز و برتری کلام الهی به‌گونه‌ای روشن‌تر نمایان می‌گردد. همان‌گونه که مبارزی دلیر در میدان نبرد پی‌درپی ندا سر می‌دهد: «هَلْ مِنْ مُبَارِزٍ؟»، قرآن نیز با تکرار مضامین و قصص در سیاق‌های مختلف، به‌صورت مداوم انسان را به آوردن سخنی همانند خود فرا می‌خواند و در عین حال، ناتوانی او را در پاسخ‌گویی به این دعوت آشکار می‌سازد.

از همین رو، قرآن کریم در روایات به «شافی» (به معنای کامل‌کننده و جامع) توصیف شده است؛ زیرا اخبار، مواظ و داستان‌های آن به شیوه‌ای مکرر و هدفمند بیان شده‌اند تا هم بر جنبه‌ی اعجاز بیانی قرآن تأکید شود و هم پیام‌های هدایتی و تربیتی آن در ذهن و جان مخاطب تثبیت گردد.^۳

۱. سعید، مهدوی، نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، ص ۳۹-۳۸.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، ص ۵۷۸.

۳. شیخ زین‌الدین محمد بن ابی‌بکر، رازی حنفی، امثال و حکم، ص ۴۲۳.

درحالی که کفر و کلمه‌ی باطل همچون درخت ناپاکی است که از زمین کنده شده و بادهای آن را به هر طرف پرتاب می‌کنند و ثبات و بقایی از خود ندارد.^۱

د. قسم خوردن

از دیگر روش‌های تربیتی و هدایتی قرآن مجید، به کار بردن سوگند است. چنین کاری در میان افراد بشر رایج است و هر قوم و ملتی با توجه به آیین و مرام خود، به چیزهایی که نزد خودشان مقدس است، قسم می‌خورند. فایده سوگند در دو چیز است:

۱. تأکید مطلب.

۲. توجه دادن مخاطبان به اهمیت مواردی که سوگند بدان‌ها یاد می‌شود.

البته فایده‌ی دوم را می‌توان مخصوص قسم‌های الهی دانست؛ زیرا در قسم‌های افراد بشر بیشتر فایده‌ی اول موردنظر است و برای تأکید مطلب، قسم ذکر می‌شود. برای توضیح بیش‌تر درباره چگونگی فواید سوگند، توجه به مطلب ذیل لازم است:

در مواردی که انسان برای اثبات مطلبی سوگند یاد می‌کند، بین آن مطلب و چیزی که بدان سوگند می‌خورد، پیوند برقرار می‌کند و وجود این دو یا اهمیت این دو را به هم گره می‌زند؛ نظیر شخصی که می‌گوید: به جان خودم سوگند که فلان مطلب سخن درستی است. این شخص در حقیقت، بین آن گفته‌ها و بین جان و زندگی خود، رابطه‌ای برقرار کرده و می‌گوید: همان‌طور که جان من عزیز و محترم است، آن سخن نیز همین‌قدر دارای احترام و ارزش است. همچنین کسی که با سوگند خوردن به خداوند، انجام کاری را به عهده می‌گیرد، در واقع می‌خواهد بگوید با توجه به احترام و عظمتی که برای خدا قائل هستم، تعهد می‌کنم که چنین کاری را انجام دهم. به عبارت دیگر، با خود می‌گوید: اگر آن عمل را انجام ندهم، احترام و عظمت الهی را رعایت نکرده‌ام.

به دلیل این که قسم به مواردی خورده می‌شود که نزد آدمی بسیار عزیز و محترم است، پس موردی که قسم برای آن آورده می‌شود نیز دارای ارزش و عظمت زیادی در نزد یادکننده‌ی سوگند است و این همان تأکیدی است که از قسم فهمیده می‌شود. همین تأکید در سوگندهای قرآن نیز وجود دارد؛ به این معنا که اگر خداوند مثلاً، به جان پیامبر خود سوگند یاد نموده و مطلبی را پس از آن بیان کرده است، می‌رساند که همان‌گونه که جان پیامبر ﷺ نزد خداوند با اهمیت و عزیز است، این مطلب نیز با اهمیت و شایان توجه می‌باشد. در قسم‌های قرآن، که به

۱. ابراهیم، آیه ۲۶-۲۴.

مخلوقات الهی نیز سوگند یادشده، این مطلب اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا خداوند با قسم به مخلوقات خویش، توجه بندگان را به آثار عظمت خود آشنا کرده، آنان را متوجه آثار ربوبی خود می‌گرداند.

ه. دعوت به تشویق و تنبیه

یکی از سرمایه‌های فطری و ذخایر طبیعی که در باطن هر انسان به مقتضای حکیمانه‌ی الهی مستقر شده است انگیزه‌ی حب ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس، به خود علاقه دارد و بالفطره عاشق و شیفته‌ی خویشتن است و هیچ‌چیز در نظر آدمی به قدر خودش عزیز محبوب نیست.^۱ از سوی دیگر خداوند، عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص را در وجود انسان قرار داده است، به گونه‌ای که هر انسانی به صورت فطری متمایل به کامل‌تر شدن و پیشرفت است. تشویق، باعث می‌شود کودک یا نوجوان از کار خودش احساس لذت کند و در او احساس رضایت به وجود آید. نتیجه‌ی این امر، مضاف شدن تکرار عمل است. تشویق، موجب پیدایش نشاط و رفع کسالت در فرد می‌گردد و وقتی این حالت ایجاد شد، اشتیاقش برانگیخته شده و زمینه‌ی رشد و کمال بیشتری برای او فراهم می‌گردد.^۲

اما تنبیه در مواردی است که رفتار تربی ناپسند است و می‌خواهد آن را، تضعیف یا خاموش کند. اگرچه تشویق و پاداش در ابتدایی‌ترین مراحل تربیت می‌تواند مؤثر و محرک واقع شود (چنان‌که ایجاد بیم و هراس با کمیت و کیفیت مناسب در درون آنان مؤثر است) ولی اگر مربی، واقعاً بخواهد انسان‌هایی بسازد که ارزش ذاتی را به خود حقایق بدهند، حتماً باید علاقه‌ی به آن حقایق را در درون آنان به وجود آورد. برای این امر، علاوه بر توضیح و اثبات عظمت احساس تکلیف که تنها راه به فعلیت درآوردن وجدان با چهره‌های گوناگون آن است، لزوم تبعیت از حقیقت و امتیازات حیاتی آن، باید با سپری شدن تدریجی سالیان عمر، تعلیم داده شود. اگر خود انسان با عقل و وجدان و به وسیله‌ی مربیان، نتواند حقیقت را تشخیص بدهد، قطعاً حقیقت یا حقیقت‌هایی را برای او خواهند ساخت؛ بنابراین ضروری است مربی، حقایق اصلی را که بشر در نهاد خود دارد، به تربی ارائه دهد.^۳

رهبر معظم انقلاب درباره‌ی اهمیت تشویق می‌فرماید:

۱. مصطفی، دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۱۳۵.

۲. حسن، خلجی، مقاله‌ی شیوه‌های قرآنی نهادینه کردن ارزش‌های دینی در کودکان و نوجوانان، نشریه مجموعه مقالات (قرآن و اخلاق)، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، معاونت پژوهش حوزه های علمیه، ۱۳۹۰ش.

۳. جمعی از نویسندگان، درس‌نامه اصول و روش‌های تربیت اسلامی، ص ۱۸۶.

«گاهی من در بعضی از این نمایش‌ها می‌بینم یک کار ظریف کوچک مثلاً یک حرکت دست، یک حرکت چشم یا یک اخم معنایی خاص پیدا می‌کند. این، خاصیت آدم‌هایی است که جلوی چشم عده‌ی زیادی قرار گرفته‌اند. یک آدم معمولی ممکن است صدبار سرش را تکان بدهد، دستش را تکان بدهد، اما آن کسی که پشت تریبونی رفته و یک میلیون آدم نگاهش می‌کنند، اشاره‌ی چشمش یا اشاره‌ی دستش، معنایی دیگر پیدا می‌کند ... تشویق، یک کلمه حرف است و در حالت عادی، این قدر اهمیت ندارد. اما آنجا می‌بینید چقدر اهمیت پیدا می‌کند! گویی سیلاب‌های تشویق از تلویزیون به هر خانه‌ای، به سمت انسان‌های مستعد و توانا سرازیر می‌شود؛ آن‌هم به خاطر یک کلمه تشویق. ببینید این یک کلمه، چقدر قیمت پیدا می‌کند! ما باید مواظب کلمه‌هایمان باشیم. اگر همین کلمه را، بد به کار ببریم، یا به جای آن، کلمه‌ی بدی به کار ببریم، همان اندازه اثر کوبنده و شکننده خواهد داشت. این، مسئولیت‌ها را خیلی زیاد می‌کند.»^۱

۱ . بیانات در دیدار گروه ورزش و سرگرمی در تاریخ ۷۱/۱۰/۱.

نتیجه گیری

روش‌های تربیتی گوناگون، از جمله تکرار، تلقین و تمرین، از ابزارهای بنیادین در فرآیند پرورش اخلاقی و روحی انسان‌اند. با این حال کارآمدی این روش‌ها نه به‌عنوان تکنیک‌هایی منفصل، بلکه در چارچوب اصول تربیت و در جهت اهداف مشخص تربیتی معنا می‌یابد. به بیان دیگر، تکرار و تمرین وقتی به اصلاح صفات باطنی و پالایش دل می‌انجامد که نظام آموزشی - تربیتی دارای هدف، ساختار و استمرار باشد و فرایندها بر مبنای ضوابط روان‌شناختی و اخلاقی پی‌ریزی شوند.

روش‌های تربیتی مانند تکرار، تلقین و تمرین وقتی به نتایج عمیق و پایدار می‌رسند که در چارچوبی هدفمند، منظم و تلفیقی با آموزه‌های عملی قرار گیرند. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، با فراهم آوردن معیارها، الگوها و فرصت‌های عملی، مسیر شکل‌گیری صفات الهی را هموار می‌سازد؛ مربیان انسانی نقش آماده‌سازی و تسهیل را دارند و در نهایت تحقق و بقای واقعی کمالات وابسته به عنایت و اراده‌ی خداوند است.

باید در نظر داشت که روش‌های تربیتی تکرار و جزء این‌ها که باید طبق اصول تربیت در جهت اهداف مطلوب به کار گرفته شوند، زمانی نتیجه می‌دهند و به کمک آن‌ها می‌توان صفات باطنی را اصلاح کرد و صفحه‌ی دل را از آلودگی‌ها پاک نمود و کمالات اخلاقی را در آدمی جلوه بخشید که در اثر تکرار و تلقین و تمرین، آن کمالات در روح انسان نقش ببندد و راسخ و غیرقابل زوال گردد، یا لاقلاً به آسانی زایل نشود. کتاب هدایت الهی؛ قرآن کریم؛ انسان را بدین ترتیب به‌سوی مقصد کمال سیر می‌دهد و به صفات الهی متصف می‌سازد. البته همه‌ی تلاش‌های تربیتی نقش اعدادی دارد و نقش ایجاد از آن خدای متعال است و هر حسن و کمالی از اوست و مربی اول و آخر هم اوست.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. جمعی از نویسندگان، درس‌نامه اصول و روش‌های تربیت اسلامی، تهران: سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۹۴ ش.
۲. خضرای شولای فر، مریم، روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر دیدگاه استاد مطهری، فصلنامه پویا در آموزش علوم انسانی، ۱۳۹۵ ش، ۴.
۳. خلجی، حسن، شیوه‌های قرآنی نهادینه کردن ارزش‌های دینی در کودکان و نوجوانان، نشریه مجموعه مقالات (قرآن و اخلاق)، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، معاونت پژوهش حوزه های علمیه، ۱۳۹۰ ش.
۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۲ ش.
۵. رازی حنفی، زین‌الدین محمد بن ابی‌بکر، امثال و حکم، مترجم فیروز حریرچی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت: انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۷. سبحانی تبریزی، جعفر، منشور جاوید، چاپ سوم، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸ ش.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر، موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۹. قرائتی، محسن، قرآن و تبلیغ، چاپ هفتم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. کمالی، علی، قرآن ثقل اکبر، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. مهدوی، سعید، نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۹۳ ش.